



برنامه پنجم توسعه، بودجه ۸۸ و اقتصاد سیاسی ایران

به امید ۵ سال دیگر

مصاحبه اختصاصی ماهنامه «اقتصاد ایران» با دکتر محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام

اقتصاد ایران: آقای دکتر! ارزیابی شما از روند اجرا و میزان تحقق کمی و کیفی برنامه چهارم توسعه چیست؟

اصولاً برنامه نویسی در کشور ما رشد کیفی خوبی را پشت سر گذاشته و همواره از روند اجرای آن قوی تر بوده است. به تعبیر دیگر، اجرای برنامه‌ها ضعیف تر از برنامه ریزی بوده که البته این موضوع یک اشکال تاریخی است. برنامه چهارم توسعه هم از این اشکال مستثنا نبوده است. مثلاً قرار بود که در طول برنامه چهارم به رشد ۸ درصدی برسیم که این نرخ محقق نشد و یا قرار بود در برنامه چهارم، اولین گام چشم انداز را برداریم و اقدامات لازم را در این راستا جهت خیز اقتصادی انجام دهیم.

بخش مهم این خیز اقتصادی در گروه محیط کسب و کار مناسب در کشور می باشد که تحول چندانی در آن صورت نگرفته است. در بُعد سیاست گذاری نیز با ابلاغ کلیات اصل ۴۴ قانون اساسی و فراخوانی بخش های غیردولتی برای سرمایه گذاری مواجه بودیم، اما متأسفانه از آنجا که عملاً محیط کسب و کار لازم و مناسب را نداریم، علیرغم تلاش های صورت گرفته برای تحقق این هدف برنامه چهارم، دولت نتوانست شرایط را آن گونه که مدنظر برنامه بود فراهم کند.

سازمان های نظارتی معتقدند هنوز برخی آیین نامه های این برنامه تنظیم نشده که در این صورت، طبیعتاً اجرایی هم صورت نگرفته است. البته به بعضی از اهداف نزدیک شده ایم، مثلاً نرخ رشد اقتصادی نسبت به برنامه قبلی افزایش یافته، اما به نرخ تعیین شده در برنامه چهارم نرسیده است.

اقتصاد ایران: با توجه به درآمدهای بالای کشور در برخی سال های برنامه چهارم - به خصوص درآمدهای نفتی - به نظر می رسد دولت می توانست در جهت اجرای برنامه قوی تر عمل کند. نظر شما در این رابطه چیست؟

طی برنامه چهارم، حدود یک سوم کل درآمدهای ارزی ۳۰ سال گذشته محقق شد که این امر به این معنی است که در ۴ سال اخیر، نسبت بالایی از درآمدهای ۳۰ ساله را در اختیار داشتیم که با این ابزار، دولت می توانست تحولی را حداقل در بخش تقویت پس انداز ملی ایجاد کند. ما به پس انداز بیشتری نیاز داریم و از سطح پس انداز مطلوب سند چشم انداز بسیار دور هستیم. هرچند همان میزان پس انداز موجود را نیز سرمایه گذاری نمی کنیم. به عبارتی در کشور ما بین پس انداز و سرمایه گذاری شکاف

وجود دارد. به هر حال، هرچند درآمدهای ارزی چند سال گذشته می توانست کمبود پس انداز ملی را جبران کند، اما این درآمدها عمدتاً صرف احتیاجات عمومی جامعه، نظیر خوراک، پوشاک و مواردی از این قبیل شد. اگر هم بعضاً تولیدی صورت گرفت به صورت پایدار نبود، بلکه در قالب کالاهای واسطه ای بود که در مقطعی از زمان توانست اشتغال و تولید ملی را افزایش دهد. در چنین شرایطی، اگرچه کارخانه های تولیدی حجم تولیدات خود را بالا بردند، ولی به ظرفیت سازی توجهی نکردند. بنابراین ما باید در کنار واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای، افزایش ظرفیت تولید بنگاه ها را نیز مدنظر قرار دهیم.

اقتصاد ایران: اهداف کلی برنامه پنجم چیست و این برنامه چه تفاوت هایی با برنامه چهارم دارد؟

در برنامه پنجم توسعه، علیرغم آن که قبلاً سیاست گذاری های کلی وارد مقولات کمی نمی شد، این بار برخی از اهداف کلیدی اقتصاد را در سیاست های کلی وارد کردیم و به دلیل اهمیت موضوع، رشد اقتصادی را در سطح ۸ درصد و نرخ بیکاری را در سطح ۷ درصد قید کردیم. همچنین قرار بر این است که شاخص توسعه انسانی کشور در طول برنامه پنجم به سطح کشورهای توسعه یافته برسد. موضوع دیگر، کاهش شکاف بین پس انداز و سرمایه گذاری است که در این زمینه نیز تدابیری اندیشیده شده است. بنابراین اولین تفاوت این برنامه، هدف گذاری دقیق و کمی آن است و چون این اهداف در سیاست ها وارد می شوند، نسبت به زمانی که صرفاً مجلس و دولت، تدوین آنها را بر عهده داشتند از قدرت تحقق پذیری بیشتری برخوردار می باشند. مسأله بعد، ارتباط اقتصاد کشور با نفت است که به صورت مشخص به آن پرداخته شده است. پیش از این، بحث بر سر آن بود که وابستگی اقتصاد به نفت در بودجه های جاری به صفر برسد. اما در برنامه جدید، منابع ناشی از نفت به دو صورت تعریف شده اند. در این برنامه، منابع ناشی از فروش نفت خام را از میزان استفاده آن در داخل برای تولید فرآورده ها جدا کردیم و اهمیت آن را در داخل کشور نیز - نه تنها به عنوان سوخت، بلکه به عنوان منبعی برای استفاده از سایر فرآورده ها، از فرآورده های پتروشیمی گرفته تا حتی پوشاک و لوازم خانگی - لحاظ کردیم. بنابراین نگاه به نفت - چه در داخل کشور به عنوان عاملی برای تولید و چه از منظر درآمدهای حاصل از فروش - نگاهی مولد بوده است. همچنین علاوه بر درآمدهای نفتی، تفاوت دیگر این

برنامه با برنامه چهارم به مسایل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بازمی گردد. مثلاً مسأله سلامت به عنوان مسأله ای مهم در محور توسعه مطرح شده است. در این راستا، هدف آن است که سهم خانوار از هزینه های سلامت کاهش یافته و یا مثلاً سهم هزینه بیمه خانوار از ۷۰ درصد به ۳۰ درصد کاهش یابد. یعنی باید سالانه حدود ۱۰ درصد از هزینه ها کم شود. همچنین مسایلی چون کودکان بی سرپرست، زنان سرپرست خانوار، سالمندان و مواردی از این قبیل، از جمله مسایلی هستند که در برنامه پنجم به طور ویژه مورد بررسی قرار گرفته اند. به عبارت دیگر، به طور کلی نگاه اجتماعی برجسته ای در این برنامه دیده می شود. مسایل دیگری نیز همچون مسأله عدالت به صورت خاص مورد توجه برنامه پنجم قرار گرفته است. در این مورد، مقام معظم رهبری از خبرنگاران حوزه و دانشگاه خواسته اند که به تبیین زوایای موضوع بپردازند تا بتوان در این زمینه به یک برداشت مشترک و واحد در سراسر کشور رسید.

اقتصاد ایران: همانطور که مستحضرید، با توجه به سرایت بحران مالی به ایران، منابع مالی دولت کاهش یافته است. با توجه به تبعاتی که این بحران در بازارهای مالی و پولی کشور به همراه خواهد داشت، چه آینده ای را برای برنامه پنجم پیش بینی می کنید؟

طبیعتاً بحران اقتصادی روی ایران نیز اثر گذاشته است. این تأثیر از دو ناحیه کاهش درآمدهای نفتی و کاهش صادرات محصولات غیرنفتی در ایران چشمگیر بوده است. رقابت پذیری کالاهای خارجی نیز در مقایسه با کالاهای ایرانی افزایش یافته که نتیجه آن کاهش تولید ملی است. بازار بورس ایران نیز از وقایع مذکور بی نصیب نمانده است. پیامد این آثار، کاهش بودجه دولت خواهد بود که در این صورت، عواقب مذکور را یا باید از محل تعدیل نرخ ارز جبران کرد و یا باید بودجه عمرانی کشور را کاهش داد. استقراض نیز راه حل دیگری است که احتمال آن بعید نمی باشد. البته ممکن است دولت ترکیبی از هر سه راه پیش روی خود را برگزیند تا بتواند دغدغه های ناشی از بحران را برطرف نماید.

حباب دوم

آیا مازاد ظرفیت در کشورهای عضو آپک پس از رفع بحران اقتصادی تکافوی رشد تقاضا را در بازار جهانی نفت خواهد کرد؟

آپک تنها ۳۵ درصد از نفت مصرفی را در بازار جهانی تأمین می‌کند. بسیاری از فعالان بازار، اُفت بیش از ۷۰ درصدی قیمت نفت را ناشی از ترکیدن حباب قیمت‌های کاذب و غیر واقعی دانستند. به اعتقاد آنان، رشد شدید قیمت در بازار، نشانه‌ای از عدم تکافوی عرضه برای پاسخگویی به تقاضا در زمان مقتضی بوده است.

اما با کاهش قیمت‌های نفت و اُفت سرمایه‌گذاری در تولید بخش بالادستی، احتمال تکرار جهش قیمتی پس از بهبود شرایط عرضه وجود دارد. فدل غیث، تحلیل‌گر ارشد بازار نفت در مؤسسه اینپهایمر در این زمینه می‌گوید: «بازار، در حال حاضر به آپک به عنوان یک ناجی می‌نگرد. هنگامی که آپک با در نظر گرفتن روند کاهنده تقاضا، تولید خود را کاهش می‌دهد، این سازمان تنها نقش یک عامل ترازکننده را ایفا می‌کند. اما هنگامی که اوضاع تثبیت شود، قیمت‌ها روند فزاینده خود را آغاز خواهند کرد. من این پدیده را حباب دوم می‌نامم.»

غیث می‌افزاید: «هرچقدر دوران پایین بودن قیمت نفت طولانی‌تر شود - قیمت پایین، به نظر من یعنی کمتر از ۵۰ دلار - بهبود قیمت با در سرفه‌های بیشتری همراه خواهد بود. سؤال این نیست که آیا بهبود اتفاق خواهد افتاد یا نه، بلکه اختلاف بر سر زمان آن است.»

این تحلیل‌گر مؤسسه اینپهایمر در این زمینه معتقد است شرکت‌های نفتی ۴۰ درصد از نقدینگی خود را در سال جاری از دست داده‌اند و لذا هزینه‌های سرمایه‌گذاری آنها به شدت کاهش خواهد یافت. به اعتقاد وی، قیمت‌های نفت در سال ۲۰۰۹ به مراتب از قیمت‌های سه ماهه چهارم سال ۲۰۰۸ بدتر خواهد بود. به طوری که قیمت‌های نفت در سال ۲۰۰۹ حتی به سطح قیمت‌های پنج‌یاش سال پیش خواهد رسید، در حالی که هزینه‌های استخراج نفت، نسبت به آن زمان ۲ برابر شده است. به عقیده غیث ۸۰ تا ۹۰ درصد از هزینه‌های سرمایه‌گذاری مربوط به شرکت‌های بزرگ، جبران کاهش تولید از میداین موجود خواهد بود. لذا این میزان از سرمایه‌گذاری‌ها، به مصرف پروژه‌های جدید خواهند رسید.



که از یک پیشرفت با ثبات اقتصادی برخوردار نباشیم. در این راستا ضروری است بخش اقتصادی به نحوی مدیریت شود که از تغییرات سیاسی کشور تأثیر نپذیرد. البته این به معنای حذف مشارکت مردم نمی‌باشد، چراکه ما به مردم سالاری نیازمندیم، لذا لازم است تا فشار ناشی از تأثیرات سیاسی را بر اقتصاد کاهش دهیم.

آیا طرح دولت ائتلافی شما که پیش از این، آن را در مصاحبه با ماهنامه «اقتصاد ایران» مطرح کرده بودید، تا زمان فرارسیدن انتخابات سال آینده اجرایی خواهد شد؟

من دولت ائتلافی را با انگیزه‌های مختلفی بیان کردم. یکی از این انگیزه‌ها کاهش تأثیرپذیری حوزه اقتصادی از تغییرات سیاسی کشور بود. البته ممکن است در آینده به ساختاری با محتوای غنی‌تر برسیم، اما در حال حاضر، دولت ائتلافی این امکان را ایجاد می‌کند، چراکه محور دولت ائتلافی برنامه است، نه شخص. لذا این امر باعث خواهد شد اهداف به دنبال تحقق سلیقه‌های فردی نروند.

آیا شما هنوز قصد اعلام نامزدی خود جهت شرکت در انتخابات آتی را ندارید؟

از آنجا که من به دنبال ایده دولت ائتلافی هستم، اعلام نامزدی خود را در انتخابات، به عنوان آسیب به طرح مذکور قلمداد می‌کنم. لذا اگر طرح مذکور در این دوره عملی نشود، در دوره‌های بعدی، اداره کشور را به جز دولت ائتلافی نخواهد داشت. در آن صورت، اگر خودم انتخاب شدم، این طرح را اجرا خواهم کرد. اما لازم است ابتدا برنامه دولت ائتلافی را تدوین و سپس نماینده این دولت را معرفی کنیم.

متشکریم.

تحلیل شما از بودجه سال ۸۸ و تدوین آن چیست؟

قرار بود بودجه سال ۸۸ با ساختاری جدید و متناسب با اصل ۴۴ تدوین شود، چراکه ساختار فعلی بودجه، قابل ارزیابی نیست و زمانی که ساختاری قابلیت ارزیابی نداشته باشد، قضاوت در مورد آن نیز مشکل خواهد بود و در نتیجه نمی‌توان در مورد میزان تحقق اهداف آن هم اظهار نظر دقیقی داشت. در این راستا، بودجه ۸۸ کل کشور، با ساختاری جدید در چارچوبی متفاوت شکل گرفت که لازمه این امر، توجه کامل دولت به سه موضوع کارایی، اثرگذاری و هم‌راستایی در اهداف بودجه است. به عبارتی دیگر، کارایی دولت در اجرای اهداف بودجه، اثرگذاری آن و حرکت در راستای سند چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه از موارد مهم مورد توجه می‌باشد.

تغییر فضای سیاسی کشور که به واسطه انتخابات ریاست جمهوری در سال ۸۸ شاهد آن خواهیم بود، چه تأثیری را بر اقتصاد کشور، بودجه و برنامه پنجم خواهد داشت؟ به عبارتی آیا بودجه و برنامه پنجم توسعه از انعطاف لازم جهت تطبیق با فضای سیاسی جدید برخوردار است یا خیر؟

کشور ما با ناسازگاری بین تغییرات سیاسی و اقتصادی مواجه است. بین پیشرفت‌های اقتصادی و سیاسی تناسبی وجود ندارد و به همین دلیل است که پیشرفت‌های اقتصادی، به شدت از حوزه سیاست تأثیر می‌پذیرند. اصولاً پس از پیروزی انقلاب، همواره با تغییر خط مشی دولت‌ها مواجه بوده‌ایم، به طوری که در دوره آقای رفسنجانی، سیاست دولت به صورت ترکیبی از بخش خصوصی و دولتی بود. در دوره آقای خاتمی نیز بیشتر، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی مدنظر بود. رویکرد دولت کنونی هم تقویت بخش دولتی است. به علاوه در کشور ما طی سالیان اخیر، تغییر ترکیب مدیریتی باعث شده است